

آفتاب

مهمترین روزه

محمد هادی نیکخواه آزاد

آرزو گفت: «شاید لوبیاها مریض شده‌اند.» من گفتم: «فکر نمی‌کنم مریض شده باشند، چون برگ‌هایشان خیلی شاداب هستند.» آرزو گفت: «امید، امروز بابا رحمان برای ناهار می‌آید خانه‌ی ما. چطور است مشکل لوبیاهایمان را به او بگوییم؟»

من و آرزو لوبیا کاشته بودیم. گلدان‌هایمان را پشت پنجره‌ی اتاق گذاشته بودیم. مرتب به لوبیاها سر می‌زدیم و خیلی خوب از آن‌ها مراقبت می‌کردیم. جوانه‌ها خیلی سر حال بودند و خوب رشد می‌کردند؛ اما چند روز بود که به سمت پنجره خم شده بودند. ما خیلی نگران بودیم.





چرخش گل‌ها به سمت آفتاب
را در این فیلم ببینید.

بابارحمان گفت: «بله امید جان. آفتاب گردان خیلی نور را دوست دارد. برای همین، همیشه رو به آفتاب است. اتفاقاً می‌خواهم بعد از ظهر به مزرعه‌ی آفتاب گردان آقامحمود بروم. شما دو تا هم می‌توانید با من بیایید و خودتان از نزدیک گل‌های آفتاب گردان را ببینید.»
خیلی خوش حال شدیم. آرزو گفت: «حالا چه کار کنیم که لویبهایمان دوباره صاف بشوند؟» بابارحمان جواب داد: «گلدان‌هایتان را هر چند روز یک‌بار مقداری بچرخانید.»

وقتی بابارحمان موضوع را شنید، لبخندی زد و گفت: «بچه‌ها، لویبهای شما هیچ مشکلی ندارند. آن‌ها به آفتاب نیاز دارند. نور خورشید، فقط از پنجره به آن‌ها می‌تابد. برای همین، آن‌ها برگ‌هایشان را به سمت آفتاب خم کرده‌اند تا نور بیشتری دریافت کنند.»
یاد گل آفتاب گردان افتادم. گفتم: «بابارحمان، راست است که می‌گویند گل‌های آفتاب گردان همیشه رو به خورشید هستند و به سمت آن می‌چرخند؟»